

فصل الممثال

فی تقریر مابین الشریعة و الحکمة من الاتصال

قاضی ابن رشد اندلسی (۵۱۵ق)

ترجمہ و تعلق

عدنان فلاحی

با گفتاری از

محمد عابد جابری و جورج حورانی



بسم الله الرحمن الرحيم

سرشناسه: ابن رشد، محمد بن احمد، ۵۲۰ - ۵۹۵ ق.، [فیلسوف]

Averroes

عنوان قراردادى: فصل المقال فيما بين الشريعة والحكمة من الاتصال. فارسی
عنوان و نام پدیدآور: ترجمه فصل المقال في تقرير ما بين الشريعة والحكمة من الاتصال /
ابن رشد اندلسی؛ ترجمه و تعلیق عدنان فلاحي؛ همراه با گفتاری از محمدعابد جابری و جورج
حورانی؛ ویراستار محمدصادق روحانی.
مشخصات نشر: قم: مؤسسه فرهنگی طه، کتاب طه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص.؛ ۲۱×۲۱ س.م.
شابک: ۷-۴۸-۵۳۳۴-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: ابن رشد، محمد بن احمد، [فیلسوف]، ۵۲۰ - ۵۹۵ ق. - دیدگاه درباره فلسفه و دین

موضوع: فلسفه و اسلام

موضوع: Islam and philosophy

موضوع: فلسفه و دین

موضوع: Philosophy and religion

شناسه افزوده: فلاحي، عدنان، -، ۱۳۶۴ -، مترجم

شناسه افزوده: جابری، محمدعابد، ۱۹۳۶ - ۲۰۱۰ م.

شناسه افزوده: Jabiri, Muhammad Abid

شناسه افزوده: حورانی، جورج فضل

شناسه افزوده: Hourani, George Fadlo

رده بندی کنگره: BBR ۴۱/الف ۲۶۰۴۱۱۳۹۶

رده بندی دیویی: ۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۰۱۳۹۹

وضعیت رکورد: فیبا

ترجمه فصل المقال

في تقرير ما بين الشريعة والحكمة من الاتصال

قاضى ابن رشد اندلسى (- ٥٩٥ ق)

همراه با گفتارى از: محمد عابد جابرى و جورج خورانى

ترجمه و تعليق: عدنان فلاحي



ترجمہ فصل المقال

في تقرير ما بين الشريعة والحكمة من الاتصال

قاضی ابن رشد اندلسی (-۵۹۵ ق)

همراه با گفتاری از: محمد عابد جابری و جورج خورانی

ترجمہ و تعلیق: عدنان فلاحي

ناشر: کتاب طه

چاپ اول: بهار ۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۳۴-۴۸-۷

شمارگان: ۷۰۰ جلد

مدیر تولید: مهدی گلزاری

ناظر چاپ: محمد حسن امانی

صفحه آرایي: اکرم صادقی

اجرای جلد: معصومه کرم پور

خط جلد: محمد تنها

چاپ و صحافی: مشعر

قم: بلوار معلم، مجتمع ناشران، طبقه سوم، واحد ۳۱۴، انتشارات کتاب طه

دفتر انتشارات ۰۲۵ ۳۷۷ ۴۴۶۲۴

دورنویس ۰۲۵ ۳۷۷ ۴۳۶۲۴

فروشگاه مرکزی (کتابسرای طه) ۰۲۵ ۳۷۸ ۴۸۳۲۶

📞 tahabooks

✉ ketabtaha@gmail.com

📷 ketabtaha

www.ketabtaha.com

کتابسرای طه: کتابفروشی آنلاین

ارسال به سراسر کشور

تقدیم بہ

احمد ایمانی

کہ برایم تجسمی از ایمان بود

فهرست

پیشگفتار مترجم	۱۱
اجتهاد و فتوا در گفتمان ابن رشد	۱۹
۱. «بداية المجتهد»: فتح باب جدیدی در اجتهاد	۱۹
۲. ابن رشد: تهمتی واهی و جعلی	۲۳
۳. «فصل المقال»: فتوایی در شرعی بودن فلسفه	۲۵
۴. غنای سخن ابن رشد به واسطه فوران معنا	۲۷
۵. پیچیدگی متن	۳۱
سرگذشت فصل المقال	۳۵
درباره «ضمیمه» فصل المقال	۴۰
فصل یکم: گفت و گو میان شریعت و حکمت	۴۵
۱. وجوب تأمل در قیاس عقلی و انواع آن از دیدگاه شرع	۴۵
۲. شایستگی مراجعه به کتاب‌های پیشینیان	۵۱
۳. ضرورت بررسی موجودات	۵۳
۴. ضرورت استفاده از تلاش‌های پیشینیان	۵۵
۵. عدم ملازمه بین گمراهی افراد و ممنوعیت اهل نظر از خواندن کتاب‌های فلسفه	۵۷
۶. عدم ناسازگاری حقیقتی با حقیقت دیگر	۹۵
فصل دوم: احکام تأویل	۶۱
۷. معنای تأویل و نسبت آن با مفاهیم دیگر	۶۱

۸. عدم وجود اجماع در مسائل نظری ۶۵
۹. مناقشه در فتوای غزالی در تکفیر فلاسفه ۶۷
۱۰. حکیمان نمی‌گویند که خداوند جزئیات را نمی‌داند ۶۹
۱۱. قدم جهان: اختلاف در نامگذاری ۷۱
۱۲. تأویل‌گری و عدم پابندی متکلمان به ظاهر شرع ۷۵
۱۳. خطای علما، قابل چشم‌پوشی و خطای غیر علما، گناهی محض است ۷۷
۱۴. عدم وجود عذر برای خطا در اصول شرع ۷۹
۱۵. دلیل تقسیم شرع به ظاهر و باطن ۸۱
۱۶. انواع الفاظ دینی: تأویل‌پذیر و تأویل‌ناپذیر ۸۳
۱۷. معاد به مثابه وجود و معاد به مثابه احوال ۸۵
- فصل سوم: موارد جواز تأویل ۹۳**
 ۱۸. هدف شرع: آموزش حق و عمل حق ۹۳
 ۱۹. خطایی بودن راه‌های تصدیق در شرع ۹۵
 ۲۰. گروه‌های مردم: عامه مردم، اهل جدل و اهل علم ۹۷
 ۲۱. عدم شایستگی بیان تأویل برای عامه مردم ۹۹
 ۲۲. حفظ نفس و حفظ سلامتی ۱۰۳
 ۲۳. بیان تأویل سبب تفرقه در مردم ۱۰۵
 ۲۴. راه‌های قرآنی، بهترین راه‌های آموزش جمهور مردم است ۱۰۹
 ۲۵. حکمت و شریعت همراه و همزاد ۱۱۳
- پیوست: علم الهی ۱۱۵**
 - طرح مشکل ۱۱۵
 - [حل مشکل] ۱۱۹
- پی نوشت ۱۲۵**
- منابع ۱۴۹**

الفهرس

٤٤	الفصل الأول: التكلم بين الشريعة والحكمة
٤٤	[١. يجب بالشرع النظر في القياس العقلي وأنواعه]
٥٠	[٢. ينبغي أن نضرب بأيدينا في كُتُبِ القدماء]
٥٢	[٣. ضرورة الفحص في الموجودات]
٥٤	[٤. ضرورة الاستفادة من جهود القدماء]
٥٦	[٥. ليس يلزم إن غوى غاو، أن نمنعها عمن هو أهل لها]
٥٨	[٦. الحق لا يضاد الحق بل يوافقه ويشهد له]
٦٠	الفصل الثاني: أحكام التأويل
٦٠	[٧. التأويل: معناه ومناسبته]
٦٤	[٨. لا إجماع في المسائل النظرية]
٦٦	[٩. تكفير الغزالي الفلاسفة مسألة فيها نظر]
٦٨	[١٠. الحكماء لا يقولون إن الله لا يعلم الجزئيات]
٧٠	[١١. قدم العالم: الاختلاف في التسمية]
٧٤	[١٢. المتكلمون ليسوا على ظاهر الشرع بل متأولون]
٧٦	[١٣. خطأ العلماء مصفوح عنه وخطأ غيرهم إثم محض]
٧٨	[١٤. الخطأ في مبادئ الشرع لا عذر فيه]
٨٠	[١٥. السبب في انقسام الشرع إلى ظاهر وباطن]
٨٢	[١٦. أصناف القول الديني: ما يؤول وما لا يؤول]
٨٤	[١٧. المعاد كوجود والمعاد كاحوال]

٩٢	الفصل الثالث: التأويل متى وكيف ولمن؟
٩٢	[١٨. مقصود الشرع: تعليم الحق وعمل الحق]
٩٤	[١٩. طرق الشرع في التصديق طرق خطائية أساساً]
٩٦	[٢٠. أصناف الناس: جمهور وجدليون وعلماء]
٩٨	[٢١. لا ينبغي التصريح بالتأويل للجمهور]
١٠٢	[٢٢. حفظ النفس وحفظ الصحة]
١٠٤	[٢٣. من التصريح بالتأويل نشأت الفِرَق ففرقت الناس]
١٠٨	[٢٤. الطرق القرآنية أفضل الطرق لتعليم الجمهور]
١١٢	[٢٥. الحكمة صاحبة الشريعة والأخت الرضيعة]
١١٤	ضميمة في العلم الإلهي
١١٤	طرح المشكل
١١٨	[حل المشكل]

پیشگفتار مترجم

خداوند حکیم را شاکریم که توفیق داد تا دریچه کوچکی از تلاش خردمندان و متفکران مسلمان به روی علاقه‌مندان فرهنگ و اندیشه باز شود. در آغاز باید اعتراف کرد که نوشتن از ابن رشد و به دست آوردن تمام ابعاد شخصیت علمی این دانشمند فرزانه کاری دشوار است. اما ابن رشد کیست؟

محمد بن احمد بن محمد، ابوالولید ابن رشد^۱ قرطبی به سال ۵۲۰ ق. ۱۱۲۶ م. در قرطبه اندلس (قسمتی از اسپانیای کنونی) به دنیا آمد. خانواده او، خصوصاً جدش محمد بن احمد بن رشد، از بزرگان فقه مالکی در اندلس بودند و از این رو او به ابن رشد نوه (ابن رشد الحفید) معروف شد. ابن رشد به مانند جد بزرگش، یگانه فقه در زمانه خود بود و طولی نکشید که به منصب قاضی القضاة اندلس رسید. او علاوه بر تبحر در فقه، در پزشکی، فلسفه، ادبیات عرب، کلام و... هم زبانزد خاص و عام بود. ابن فرحون (۷۹۹ ق.)، تذکره‌نویس بزرگ مالکی، ابن رشد را چنین توصیف می‌کند: در کمال و علم و فضل، کسی در اندلس به مانند ابن رشد ظهور نکرده است. به سبب بزرگ‌منشی از همه مردم متواضع‌تر و بی‌تکبرتر بود. از زمان کودکی تا سال‌خوردگی به تحصیل علم عنایت داشت... طوری که نوشته‌هایش حدود ده هزار ورق است (ابن فرحون ۲: ۲۵۷ و ۲۵۸).

همچنین نقل شده است که ابن رشد از زمانی که به بلوغ فکری رسید، هیچ شبی را در طلب دانش از دست نداد، مگر دو شب: شب فوت پدر و شب عروسی خود. شاید همین نکته، راز سرآمدی و برتری او در چندین شاخه علوم طبیعی و غیرطبیعی باشد. صفدی (۷۶۴ق.) می نویسد:

کتاب مؤظاً را نزد پدر خواند و پزشکی را از ابومروان بن حُزبول فراگرفت. چنان فقه خواند تا در آن به درجه استادی رسید، سپس به علم کلام و فلسفه روی آورد به طوری که در آن علوم او را مثال می زدند (صفدی ۸۱:۲ و ۸۲).
حقاً که آدمی در اینکه او را فیلسوف خطاب کند یا متکلم یا فقیه یا پزشک یا ریاضیدان درمی ماند! ابن عماد حنبلی (۱۰۸۹ق.) می نویسد:

او هوشی سرشار داشت... و آثار او در فقه، طب، منطق، ریاضی و الهیات بسیار مفیدند (ابن عماد ۴:۳۲۰).

در اینجا وارد موضوع دانش و فراین رشد در علم فقه و سخن گفتن درباره کتاب سترگش بدایة المجتهد و نهایة المقتصد - که جزء مهم ترین کتاب های فقه مالکی و همچنین فقه تطبیقی است - نمی شویم؛ چرا که مرحوم محمد عابد جابری، متفکر پراوازه مراکشی و استاد پیشین فلسفه در دانشگاه رباط مراکش، در یکی از فصل های کتابش ابن رشد سیره و فکر به طور مفصل به این مهم پرداخته است که ما تمامی آن را در همین کتاب خواهیم آورد، ولی در اینجا به نقل سخن ابن ابی اُصیبَعه (۶۶۸ق.) اشاره می کنیم که درباره ابن رشد می گوید: «او در علم فقه و خلاقیات [= فقه تطبیقی] یگانه بود». (ابن ابی اُصیبَعه ۵۳۰). اما در باب مهارت و بزرگی قاضی ابن رشد در علم پزشکی همین بس که تا مدت ها به آرای او استناد می کردند. ابن فرحون می نویسد:

نظرات پزشکی او درست به مانند فتاوی فقهی اش محل رجوع بود... آثار گرانمایی دارد از جمله کتاب بدایة المجتهد در فقه... و هیچ کتابی در زمانه ابن رشد [در فقه] مفیدتر از این کتاب نبود (ابن فرحون ۲:۲۵۸).

همچنین ابن رشد نخستین کسی بود که نشان داد یک نفر، دو بار آبله نمی گیرد (زرین کوب فصل ۱۰).

اما شاید برجسته‌ترین وجه شخصیت ابن‌رشد، شخصیت او به مثابه یک فیلسوف و حکیم باشد. ابن‌رشد یکی از بزرگ‌ترین متفکران در قرون وسطای اروپا و از برجسته‌ترین شارحان ارسطو است. نفوذ او بر فلسفه قرون وسطای اروپا چنان بود که عده‌ای از فیلسوفان را تا مدت‌ها «ابن‌رشدی» خطاب می‌کردند و این نکته‌ای است که دیوید لاسکیم^۱ استاد معاصر تاریخ قرون وسطی در دانشگاه شفیلد انگلستان به آن اشاره می‌کند.^(۱) وام‌گیری فیلسوف بزرگ قرون وسطی قدیس توماس آکویناس^۲ (۱۲۲۴-۱۲۷۴م) از شرح ابن‌رشد بر فلسفه ارسطو امری مشهود و انکارناپذیر است. عبدالحسین زرین‌کوب می‌نویسد:

حکمای اروپا در قرون وسطی بی‌هیچ تردید ریزه‌خوار خوان ابن‌رشد بوده‌اند. توماس آکویناس به قول [ارنست] رنان نزدیک به تمام حکمت خود را به او مدیون است و با این همه در رد و نقد اقوال او اصراری تمام کرده است، گویی این هم طریقه‌ای بوده است برای ادای دینی که به او داشته. در هر صورت مبارزه‌ای که بعضی حکمای اسکولاستیک با فلسفه ابن‌رشد کرده‌اند حکایت از قوت نفوذ او در اذهان و افکار اهل حکمت دارد. ابن‌رشد به سبب آثاری که در شرح کتب و تبیین اغراض ارسطو تألیف کرد در اروپا به عنوان شارح شناخته شد: شارح مطلق. چنان‌که دانته وقتی می‌خواهد از او نام ببرد، مثل آنکه بنایی عظیم را به کسی نسبت می‌دهند، درباره‌اش می‌گوید: ابن‌رشد که شرح بزرگ را درست کرد^۳ (زرین‌کوب فصل ۱۸).

استاد زرین‌کوب در ادامه به شباهت‌های بعضی آرای ابن‌رشد با سخنان فیلسوفان بعد از قرون وسطی مثل دکارت، اسپینوزا و لایب‌نیتس هم اشاره می‌کند که نشان از نفوذ تفکر ابن‌رشد حتی تا عصر رنسانس دارد. لاسکیم نیز بر این مدعای زرین‌کوب مهر تأیید نهاده است و می‌نویسد:

1. David luscombe

2. Aquinas, Saint Thomas

3. Che il gran Commento feo

مفسران عرب (مسلمان) ارسطو به ویژه ابن رشد در دوره رنسانس نیز همچنان مورد اتکا بودند و در بسیاری از ویراست‌های قرن شانزدهم آثارشان با آثار ارسطو همراه بود (لاسکم ۲۲۵).

متأسفانه تعدادی از آثار ابن رشد که به زبان عربی نگاشته شده به دست ما نرسیده است، ولی ترجمه‌های لاتینی آن وجود دارد، که خود این موضوع نیز گواه اهمیت اندیشه شارح بزرگ ارسطو برای متفکران اروپایی است. لاسکم درباره ابن سینا و ابن رشد می‌گوید:

این متفکران درباره تفکرو نوشته‌های یونانیان قدیم حتی بسیار بیشتر از هر معاصر لاتینی‌شان چیز می‌دانستند (لاسکم ۸۲).

او در جای دیگری می‌نویسد:

این امر الزامی بود که کسانی که نوشته‌های ارسطو را در غرب لاتینی مطالعه می‌کنند خواهند کوشید ارسطو را با کمک تأویل‌های او [ابن رشد] بفهمند (لاسکم ۱۳۵).

همچنین لاسکم تأکید می‌کند که ابن رشد بهترین راهنمای فلسفه ارسطو است (لاسکم ۱۴۰). با این وجود به حق باید گفت که غریبان و غیرمسلمانان در معرفی و شرح آثار و احیای اندیشه‌های این اندیشمند بزرگ مسلمان، بسی پرکارتر و قدرشناس‌تر از مسلمانان بوده‌اند.^(۲) از اینها گذشته، پیام ابن رشد برای امروز بسیار مهم و حیاتی است. دعوت به گفت‌وگو، خردورزی و اندیشه در نظام هستی چیزی بود که ابن رشد زندگی خود را در راه آن وقف کرد. او دینداران - و به خصوص مسلمانان - را دعوت می‌کند تا از اندیشه ورزی عالمانه هراسی به دل راه ندهند و این اصل را با استدلال‌های عقلی و تکیه بر آیات قرآن به اثبات می‌رساند. او منادی این پیام قرآن کریم است که بایستی در برابر مخالفان فکری، از در حکمت و موعظه و جدل به احسن وارد شد (النحل ۱۲۵). نقطه محوری اندیشه ابن رشد اعلام این نکته است که دین‌ورزی با خردمندی نه تنها منافاتی ندارد، بلکه هر دو شعاع یک نور هستند و شاید وجود خود او به عنوان یک فقیه - فیلسوف، مصداق همین نکته باشد.

باری ابن رشد که در زندگی و قضاوت همواره به خوش‌نامی معروف بود و به همین خاطر هم پیوسته مورد تمجید مورخان بعدی قرار گرفت، پایان دردناکی داشت. قشری نگران و متعصبان او را به بی‌دینی و الحاد متهم کردند و نزد حاکمان از او بدگویی‌ها نمودند و اینها همه در حالی بود که او در زندگی شخصی‌اش بسیار پرهیزگار و اهل زهد بود.^(۳) ابن فرحون مالکی می‌نویسد:

روش او در منصب قضاوت قرطبه مورد ستایش بود و به همین خاطر جایگاه والایی نزد حاکمان پیدا کرد. او این موقعیت خود را صرف مال‌اندوزی و ارتقای مقام نکرد، بلکه آن را در راه مصالح اهالی قرطبه به طور خاص و مردم اندلس به کار گرفت (ابن فرحون ۲: ۲۵۸).

ابن رشد ابتدا نزد حاکم قرطبه المنصور جایگاه والایی یافت، ولی بابت بدگویی قشری نگران به غضب المنصور دچار شد، کتاب‌هایش را سوزانده و او را به مغرب تبعید کردند. عده‌ای نقل کرده‌اند که المنصور بعدها با وساطت بزرگان اشبیلیه از ابن رشد راضی شد (ابن ابی‌اصیبعه ۵۳۲). اما ذهبی (۷۴۸ ق.) از ابن حَمُویه نقل می‌کند: وقتی داخل شهر شدم از ابن رشد سؤال کردم. گفتند که او به امر خلیفه یعقوب در خانه‌اش حبس شده و هیچ‌کس نزد او نمی‌رود، چرا که سخنان کفرآمیز از او صادر گشته و علوم متروک [= فلسفه] به او منسوب است. او در حالی فوت کرد که در خانه‌اش در مغرب محبوس بود (ذهبی ۳۰۹: ۲۱).

و این پایان اسف‌بار و غم‌انگیزیکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های تاریخ تمدن مسلمانان است که به علت تنگ‌نظری، خشک‌اندیشی و تفتیش عقیدتی به ظلم و ستم زمانه‌اش گرفتار آمد و عاقبت در تبعید و حبس به سال ۵۹۵ ق. چهره در نقاب خاک کشید. بسیاری از آثار او به دست ما نرسیده و این در حالی است که دکتر محمد عماره پژوهش‌گر برجسته مصری تا ۱۱۸ رساله و کتاب را از ابن رشد نام می‌برد.

اما ابن رشد در گستره زبان فارسی نیز حضور داشته است و دو عنوان از مهم‌ترین آثار وی به زبان فارسی ترجمه شده‌اند؛ چنان‌که آثار متعددی نیز درباره وی به زبان فارسی تألیف یا منتشر شده‌اند. نخستین اثر ابن رشد که به زبان فارسی برگردانده شد،

همین رساله فصل المقال است که به قلم مرحوم سید جعفر سجادی در سال ۱۳۵۸ ش. ترجمه شد و انتشارات انجمن فلسفه ایران آن را منتشر کرد. دومین اثر مهم ابن رشد که به فارسی ترجمه شده کتاب تهافت التهافت است که ابن رشد آن را در در تهافت الفلاسفه - اثر غزالی - نگاشته است. این کتاب دو بار به زبان فارسی ترجمه شده است: نخستین بار توسط علی اصغر حلبی و بار دوم توسط حسن فتحی و از جمله مهم ترین کتاب هایی که درباره ابن رشد به زبان فارسی ترجمه یا تألیف شده اند می توان به دو کتاب خوانشی نوین از زندگی و فلسفه ابن رشد اثر محمد عابد جابری و ترجمه سید محمد آل مهدی و نیز کتاب درخشش ابن رشد در حکمت مشاء اثر غلامحسین ابراهیمی دینانی اشاره کرد.

در ترجمه کتاب از سه چاپ مختلف کتاب فصل المقال فی تقریر مابین الشریعة والحکمة من الإلتصال^(۴) بهره برده ایم. مبنای اصلی کارمان نسخه ای از کتاب است که به همت و تحقیق جابری به سال ۱۹۹۷ م. در «مرکز الدراسات الوحده العربیة» در بیروت چاپ شد.

نسخه دوم - که تمام پانویست های محقق آن را آورده ایم - نسخه ای است که به همت و تحقیق محمد عماره به سال ۱۹۶۹ م. در «المؤسسة العربیة للدراسات والنشر» در بیروت چاپ شد. عماره بعدها این کتاب را در «دار المعارف» مصر نیز منتشر کرد. و اما نسخه دیگر کتاب که مورد توجه قرار گرفت توسط «دار المشرق» بیروت و با تحقیق و تعلیق دکتر البیرنصری نادر (استاد فلسفه دانشگاه بیروت) به چاپ رسیده است. گفتنی است ترجمه مرحوم سجادی نیز کاملاً مورد بررسی صاحب این قلم قرار گرفت و به رغم وجود پاره ای اشکالات در ترجمه ایشان، بعضاً نکات مهمی را از آن اخذ کردیم. ضمن اینکه به منظور فایده ی بیشتر، لازم دیدیم دو نوشتار دیگر نیز به کتاب بیفزاییم:

اول: ترجمه فصل پنجم کتاب ابن رشد، سیره و فکر، دراسة و نصوص اثر جابری، که خود یکی از بزرگ ترین ابن رشد شناسان معاصر بود. این فصل از کتاب او با عنوان «الإجتهد والفتوی» به بررسی جنبه های فقهی ابن رشد می پردازد.

چنین به نظر می‌آید که وجوه دیگر این رشد تحت الشعاع وجه فلسفی او قرار گرفته و به همین خاطر است که به ندرت سخنی از اندیشه‌های فقهی او به میان می‌آید؛ بنابراین تصمیم مترجم این شد که خواننده را با گوشه دیگری از شخصیت ابن رشد - شخصیت فقهی وی - نیز آشنا کند.

دوم: گزارش جالبی از جورج حورانی است که به بررسی نسخه‌های خطی به جامانده از این کتاب و سیر نشر و تصحیح آن می‌پردازد. این نوشتار دوم نیز در فصل المقال چاپ دارالمشرق بیروت به عنوان مقدمه گنجانده شده است. گفتنی است حجم پانوشتهای جابری، تقریباً به اندازه یک سوم یا یک چهارم رساله مختصر فصل المقال است. این حجم بالای پانوشتهای و توضیحات - که بعضی از آنها نیز غیر ضروری می‌نمایند - گاه خواننده متن ابن رشد را از مسیر خوانش کتاب دور کرده و او را به مخاطب جابری تبدیل می‌نماید. بنابراین در ترجمه پانوشتهای جابری به شکل گزینشی عمل کردیم. مضاف بر اینکه مترجم - علاوه بر تخریج روایات موجود در متن فصل المقال - هر جا احساس نقص کرده پانوشتهایی را اضافه نموده است که با امضای (مترجم) از پانوشتهای محققان، متمایز شده‌اند. علاوه بر این پانوشتهای، مترجم توضیحاتی را درون قلاب [] به متن کتاب و نیز پیوست‌ها افزوده است تا شاید در جهت فهم بهتر آن مفید باشد. در پایان به سخنی از ابن رشد اشاره می‌کنیم که نشان از اهمیت خدمت به خلق خدا در اندیشه فیلسوف ما دارد:

هر کس به علم تشریح مشغول شود، ایمان به خدا در او افزون می‌گردد
(ابن ابی‌اصیبعه ۵۳۲).

«ترجمه اکثر آیات برگرفته از ترجمه آقای خرمشاهی است و در غیر این صورت نام مترجم ذکر شده است».

عدنان فلاحي

بهمن ۱۳۹۱